



ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

کمونیست

سال نهم
شماره ۶۳
آبان ۱۳۷۰

ضمیمه ۱

پیرامون تحولات اخیر در حزب کمونیست ایران

مصاحبه بارفقا:

ابراهیم علیزاده

عبدالله مهتدی

همانگونه که در کمونیست شماره ۶۳ توضیح داده شده است قرار بر این بود که کمونیست به انتشار اسناد پایه‌ای تحولات در حزب کمونیست ایران اختصاص یابد و نوشته‌ها و مصاحبه‌های اعضا و مشاورین کمیته مرکزی حزب بصورت جزوه‌ای جداگانه منتشر گردد. اما بنا به خواست رفیق عبدالله مهتدی و موافقت کمونیست، مصاحبه ایشان و رفیق ابراهیم علیزاده جداگانه بصورت ضمیمه کمونیست منتشر میگردد و لذا نوشته‌های سایر رفقا و همچنین پاسخهایی که به این دو مصاحبه داده شده است در ضمیمه ۲ کمونیست ۶۳ همزمان انتشار میابد.

کارگران جهان متحد شوید!

مصاحبه با رفیق ابراهیم علیزاده

کمونیست: در پلنوم بیستم اعضای دفتر سیاسی (منصور حکمت، ایرج آذرین، کورش مدرسی، رضا مقدم) اعلام کردند که در آینده نزدیک با هدف ایجاد یک حزب جدید، از حزب کمونیست ایران کناره گیری می کنند. شما اظهار کردید که در حزب کمونیست می مانید و مسئولیت هدایت و پیشبرد امور حزب را بر عهده می گیرید. پیش از آنکه به تصمیم شما و برنامه آتی تان بپردازیم، مفید است اگر ارزیابی تان را از تحولات اخیر در حزب کمونیست و کمیته مرکزی و از نتایج سیاسی و عملی آن برای خوانندگان کمونیست تشریح کنید.

ابراهیم علیزاده: استعفای رفقای دفتر سیاسی و بخشی از کمیته مرکزی بدون شک نشانه وجود اختلافات سیاسی جدی این رفقا با حزب کمونیست است. وجود این اختلافات بیش از هر عامل دیگری موقعیت کنونی حزب را توضیح میدهد. اما متأسفانه اکنون و پس از گذشت قریب دو سال از "بطنهای پرحرارت درونی" هنوز چند و چون این تفاوت‌های سیاسی برای کسانی که در بیرون حزب نسبت به سرنوشت آن علاقمند هستند و مسائل آن را بخود مربوط میدانند و نیز حتی برای فعالین تشکیلاتی نیز در پرده ابهام باقی مانده است. نمیخواهم بگویم که الزاماً پرده پوشی آگاهانه‌ای در بیان اختلافات سیاسی واقعی در میان است، زیرا برای کمتر کسی

منفعت مادی و تشکیلاتی آن چنانی میبینم که وی را در چنین موقعیت غیراخلاقی و غیر صمیمانه‌ای قرار دهد. اما با همه اینها وجود تفاوتها و اختلافات سیاسی بیان شده را میتوان احساس کرد و بنابراین علی القاعده راهی برای طرح و پیگیری آنها وجود دارد. اگر تفاوتی بین صدور احکام و برجسب های از پیش آماده شده و نسبت دادن اختیاری آن ها به این و آن را با یک جدل ایدئولوژیک و سیاسی فارغ از پیشداوری و با مفروض گرفتن اینکه همه این مباحثات جدالهای سیاسی در چهارچوب یک حزب کمونیست است، قائل شویم، در اینصورت باید بگویم که رفقای دفتر سیاسی این راه را نپیمودند و تا آنجا که به نقش خود آنها برمیگردد گامهای اولیه ای را نیز که در این زمینه آغاز شده بود متوقف کردند.

رفقای دفتر سیاسی البته میگویند آنها "تفاوتهای خود" را قبلاً بیان کرده اند و اعلام تشکیل "فراکسیون ... در درون حزب کمونیست اقدام سیاسی و تشکیلاتی متناظر با این تفاوتها بوده است. اما یک مشاهده عینی به سادگی روشن میسازد که هویت "فراکسیون ... نه در تقابل با مواضع و خط مشی رسمی اعلام شده این حزب که در آخرین کنگره ها و پلنومهایش به تصویب رسیده اند و نه حتی درافزوده ای به آن، بلکه دقیقاً منطبق بر آن است و رفقا به این ترتیب حزب کمونیست را با همه مسائل و معضلاتی که پیش روی آن قرار داشت درون فراکسیون جا دادند. هر توضیح سیاسی و تشکیلاتی که برای این اقدام ارائه شود، از لحاظ عینی آنچه اتفاق افتاد چیزی بیش از این نبود. تا آنجا که به حوزه "نظرات" و "عقاید" مربوط میشود بخشی از حزب نمیتواند

باورهای رسماً پذیرفته شده حزبی را مبنای تفاوت خود با بخش دیگری قرار دهد. پافشاری در این عرصه و "عمیق شدن" در این زمینه به چیزی جز "تزکیه نفس" در افراد منجر نمیشود.

با جستجو در میان اسناد حزبی و مباحثات بعضاً منتشر شده گذشته دورتر، یعنی سالیانی که حزب فعالیت نرمال تری داشت و به ناپسامانی های کنونی دچار نشده بود، موضوعات سیاسی جدی و مهمی را میتوان سراغ کرد که در سطوح مختلف حزب و از جمله در رهبری بر سر آنها اختلاف نظر وجود داشت و در متنی از بطنهای سیاسی و رفیقانه هم وحدت عمل و هم پویایی حزب تأمین میشد. مباحثات مربوط به شوروی، بحث بر سر استراتژی حکومت کارگری، تبیین ما از احزاب بورژوازی و سیاست در قبال آنها، تاکتیک های ما در جنبش کردستان و بسیاری مسائل دیگر که در سمینارها و پلمیکهای درونی و بیرونی منعکس میشدند. اما امروز و درست طی دو سال از طوفانی ترین سالهای این قرن و در متن عظیم ترین حوادث جهان امروز، حزب بیش از هر زمان دیگری بخود مشغول بوده است، مجادلات درونی و حسابگری های تشکیلاتی دلمشغولی آن را تشکیل میداده است. بطنهای دور و درازی در حول و حوش لزوم پرداختن به مسائل مهم جریان دارد، اما سرانگی از خود آن مسائل گرفته نمیشود. نفس اینکه ما سولاتی برای پاسخگویی در مقابل خود قرار داده ایم البته پیشرفتی محسوب میشود اما مگر چه مدت میتوان در موقعیت رهبری سیاسی در مقام سوال کننده باقی ماند؟ لیست طولانی ای از مباحث نظری و سیاسی در دفاع از مارکسیسم و وظایف متنوع جهت هموار

کردن راه کمونیسم ایران در برابر ما قرار داشت که پرداختن به آنها از نان شب هم واجب تر بود، اینها بباد فراموشی سپرده شده‌اند. پی نکرقتن این نقشه ها و بجای آن سبک و سنگین کردن لیستها و طومارهای تشکیلاتی و "پیروز شدن" و "پیروزی خود را اعلام کردن" در این محدوده هاست که نه امروز بلکه هیچگاه برای شکل دادن به یک حزب کمونیست کارگری متمر ثمر نبوده است و نخواهد بود. آنچه امروز از جانب رفقای دفتر سیاسی بن بست آن اعلام میشود "بلندپروازی ها" و نظر داشتن به افقهای دور و امیدبخش و دورنمای تبدیل شدن به حزب اعتراض اجتماعی کارگر در متن مبارزه تعطیل ناپذیر طبقاتی و ... نیست، بلکه دقیقاً محدودنگری ها و حساسگری های تشکیلاتی است که این رفقا نزدیک به دو سال است خود و حزب را به آن مشغول داشته اند و یا اگر منصفانه تر بگویم، نقش اصلی را در این رابطه ایفا کرده‌اند. سیاسی ترین و بهرحال قابل قبول ترین بخش مجادلات درون تشکیلاتی دوسال اخیر در بهترین حالت چیزی بیش از درجا زدن بر سر تبیین خود حزب کمونیست نبوده است. همه مقالات و نوشته هایی که از طرف رفقای دفتر سیاسی تهیه شده اند چیزی بیش از توضیح و ترویج آنچه که در کنگره ششم کومله و در کنگره سوم حزب مبنای کل فعالیت حزب قرار گرفته اند نیستند و مضافاً در این مورد نیز مطالب فراوانی از جانب سطوح دیگر فعالین حزبی طی همین مدت گفته شده و نوشته شده است. آنچه که موضوع "تقابل" های این دوره بوده است بروز بحثها و اختلافات قابل ملاحظه بر سر برنامه سیاسی برای مبارزه اجتماعی کارگران، مقابله با گرایشات اجتماعی در پهنه مبارزه طبقات و نه محدوده های بسته تشکیلاتی و... نیست، بلکه مجادله بر سر مسائل تشکیلاتی و تبیینهای مختلف از حزب و گذشته آن بوده است. مسائلی که بسادگی میتوانستند از اولویت خارج شوند و حل و فصل نهایی آنها به یکی از آخرین قطعهنامه های اولین کنگره بعدی واگذار شود.

اما اگر بحث صرفاً بر سر "نظرات" و "عقاید" نیست بلکه عملکرد و سنتهای جان سخت اجتماعی غیر کارگری و منافع طبقاتی واقعی است که عینی و ملموس هستند و تفاوتها را آشکار میسازند، در این صورت آیا رفقای دفتر سیاسی و دیگر رفقای مستعفی کمیته مرکزی میتوانند بطور عینی نشان دهند که در دوره اخیر به "کار دیگری" و در راستای سنت اجتماعی "دیگری" مشغول بوده اند؟ این رفقا این دوره همه ارگانها و اهرمهای فعالیت حزبی از سلسله مراتب تشکیلاتی در کردستان گرفته تا رادیو ها و نشریات حزبی، کمیته شهرها، فعالیت حزب در خارج کشور و غیره همگی را آنطور که خود درست تشخیص میدادند از نو سازمان دادند. اما بروشنی میتوان دید که نه تنها الگوهای جدید، مشغله های متفاوت و اخلاقیات سازمانی متعالی تری در این دوره به ظهور نرسیدند بلکه با خوشبینانه ترین معیارها آنچه را که میتوان به پای هویت عملی این رفقا نوشت حتی حرکت روتین حزب کمونیست نیز نبوده است. در عرصه پراتیک واقعی حزب میتوان لیستی از لطامتی که به جنبه های پیشرو و مثبت حزب وارد آمده است ردیف کرد.

اگر نه تفاوتهای نظری و نه الگوهای فعالیت عملی هیچکدام مبنای تعریف هویتی متمایز از حزب کمونیست ایران برای این رفقا نیست در اینصورت آنها چه توضیحی برای اقدام به استعفاى دسته جمعی خود دارند؟

واقعیت این است که کناره گیری این رفقا از حزب کمونیست ادامه مجموعه‌ای سیاستهای عملی است که پس از کنگره سوم از جانب آنها در برخورد به حزب اعمال میشده است. سیاستهایی که رد پای آنها را نه صرفاً در اظهارات رسمی و مکتوب بلکه در عین حال و در این مورد بویژه مهمتر از آن در نتایج و عواقب عملی و عینی آنها بایستی گرفت. این سیاستها عملاً در جهت انحلال حزب عمل میکردند و استعفاى کنونی نقطه اوج و این بار دیگر بشکل کاملاً آگاهانه آن است. اگر بحث سکوت در بیان نظرات واقعی موضوعیتی

داشته باشد، قبل از هر چیز سکوت کسانی را بایستی توضیح داد که با هر نیتی سیاست انحلال طلبانه‌ای را ریز پوشش تلاش برای تحکیم حزب پیش بردند و سرانجام آگاهانه بدان عمل کردند. البته توضیح این مسئله کاری است که برای روشن کردن ذهن کارگران و فعالین کمونیستی که به سرنوشت این حزب علاقمند هستند لازم است انجام بگیرد.

کمونیست: خروج این رفقا چه تاثیراتی بر خط مشی و جهت گیریهای حزب کمونیست در آینده می گذارد و چه تغییراتی را باعث می شود؟

ابراهیم علیزاده: قبلاً لازم است به این نکته اشاره کنم که حزب کمونیست ایران مهر شرایط زمان تشکیل خود را بر خود دارد و حزب تاریخ معینی است، ما هر نظری نسبت به چگونگی و پروسه تشکیل آن داشته باشیم ذره‌ای از این واقعیت کم نمیکند که این حزب با تشکیل خود و در طی حیات خود بیش از هر جریان دیگری ماتریال نظری، سیاسی و انسانی برای شکل گیری یک قطب سوسیالیستی کارگری را در جامعه ایران فراهم کرده است. حزب کمونیست یک موجودیت زنده و یک پدیده در حال تغییر بوده است و در هر دوران کوشیده است خط مشی سیاسی و تاکتیکی های مبارزاتی خود را از شائبه‌های غیر سوسیالیستی و غیر کارگری پاک نماید و بدین ترتیب تا هم اکنون نیز جایگاه خود را در منتهی انبیه قطب رادیکال جامعه حفظ کرده است.

کنگره دوم حزب در سال ۱۳۶۵ از ضرورت تحول از حزب "مفید بحال کارگران" به حزب اعتراض خود کارگر و ظرف طبیعی مبارزه اجتماعی وی سخن گفت و فراخوانی به تغییرات جدی و اساسی در همه الگوهای کار و فعالیت حزب بود. اگر چه به اعتقاد من از کنگره دوم به این طرف به

آزادی، برابری، حکومت کارگری

درجای در این زمینه درجا زده است اما با وجود این موقعیت ویژه خود را برای ایجاد یک صف کمونیستی و کارگری در من مبارزه طبقاتی در جامعه ایران حفظ کرده است. این حزب بدلیل پیشینه تاکتیکی روشن و مثبتی که در مبارزات سیاسی بیش از یک دهه اخیر در ایران و حتی در منطقه دارد، بدلیل فاصله نظری و عملی که از دیدگاههای فروریخته شرق داشته است، بدیلی نمود اجتماعی نسبی که در جامعه ایران و بویژه در کردستان بدست آورده و حیات سیاسی خود را به آرزوها و منافع واقعی تودهها گره زده است و... از موقعیتی برخوردار است که میتواند به تکیهگاهی برای مقابل با سرخوردگی ناشی از فروپاشی سیستمهای سرمایه‌داری دولتی تحت نام سوسیالیسم و برای دفاع از آرمانهای انقلاب کارگری تبدیل شود.

پی گرفتن این ظرفیت‌ها وظیفه‌ای است که در برابر ما قرار میگیرد. بعنوان یک حرکت کمونیستی این دوران، حزب کمونیست بایستی یکی از کانونهای فعال برای دفاع از مارکسیسم و کمونیسم در مقابل تهاجم جهانی بورژوازی باشد و در یک تلاش جهانی برای پیش برد این مبارزه ادای سهم کند، افق برنامه‌های و سیاسی روشنی برای انقلاب کارگری پیش روی خود داشته باشد، در مبارزه جاری طبقاتی کارگران دخیل باشد و صفوف فعالین سوسیالیسم کارگری را در این مبارزه تحکیم کند و گسترش دهد، در مسائل جهان امروز صاحب نظر باشد و در سرنوشت جنبش‌های واقعی و مبارزات عادلانه توده‌ای بنفع تقویت جبهه کارگری ایفای نقش نماید و... از نظر من خروج این رفقا تاثیری در این جهت‌گیری‌های اساسی حزب ندارد، اما بدون شک از لحاظ تشکیلاتی ما را در موقعیت نسبتاً دشواری برای بازسازی تشکیلاتی حزب قرار مینهد که طبیعتاً کار بیشتر، صرف انرژی بیشتر و گذشت و فداکاری بیشتری را میطلبد.

کمونیست: متعاقب اعلام جدایی قریب الوقوع این رفقا، تعداد قابل توجهی از اعضاء کمیته مرکزی نیز اعلام کردند که از حزب کمونیست کناره گیری خواهند کرد. طرح شما برای سازماندهی ارگان رهبری و سازمانهای مرکزی حزب کمونیست چیست؟

ابراهیم علیزاده: راجع به خط مشی سیاسی عمومی حزب کمونیست در نامه به اعضا حزب که قرار است در همین شماره کمونیست به چاپ برسد توضیح داده شده است. اما راجع به فوری‌ترین وظایف و اولویتهای باید بگویم که ما پس از خروج این رفقا یک دوره انتقالی را آغاز خواهیم کرد، اولویتهای ما در این دوره انتقالی که قاعدتاً نهایستی زیاد طول بکشد عبارت خواهد بود از:

- در جریان قرار دادن فعالین تشکیلاتی در شهرهای ایران از مسائل اخیر و برقراری رابطه سیاسی و حتی‌المقدور تشکیلاتی نزدیکتری با آنها، تا به این ترتیب امکان آن فراهم شود در کوتاه مدت خلاء ناشی از خروج شماری از رفقای علنی ما در خارج کشور و در کردستان از صفوف حزب، با فعالتر شدن آنها و دخیل شدنشان در سرنوشت آتی حزب چیران شود.

- تحکیم تشکیلاتی کومله و حفظ ادامه‌کاری عرصه‌های اصلی فعالیت آن بطوریکه از یک طرف موقعیت کومله در تناسب قوای سیاسی منطقه‌ای در مقابل احزاب و جریان‌های بورژوازی آسیب نیبند و وضعیت جدید مورد بهره برداری رژیم جمهوری اسلامی قرار نگیرد و از طرف دیگر تحولات اخیر در حزب کمونیست موجب ایجاد فضای دلسردی و نگرانی در میان فعالین کارگری و در صفوف جنبش انقلابی در کردستان نشود.

- سروسامان دادن به فعالیت‌های سیاسی حزب در خارج کشور و بکارگیری موثرتر انرژی شمار نسبتاً زیادی از فعالینی که در کشورهای مختلف بسر می‌زنند و آماده‌اند تا در رابطه با حزب کمونیست کار کنند.

پس از آنکه پیشرفت‌های نسبی در امور فوق حاصل شد ما دست بکار تدارک‌کنگره هفتم کومله و کنگره چهارم حزب خواهیم شد. تدارک این کنگره‌ها برای ما از لحاظ تشکیلاتی چیزی بیش از پیشرفت اولویتهایی که اکنون به آن اشاره کردم نیست، اما از لحاظ سیاسی خواهیم کوشید که شرایطی فراهم شود تا گرایش‌ها و نظرات سیاسی موجود در حزب بتوانند در پروسه تدارک‌کنگره و در کنگره، در محیطی رفیقانه نقطه نظرات خود را در زمینه‌های مختلف و از جمله درباره نحوه فعالیت آتی حزب بیان کنند. □

ضمیمه ۲ کمونیست ۶۳

منتشر شده است.

در این ضمیمه

نوشته‌های سایر اعضای

کمیته مرکزی و

همچنین

پاسخ به مصاحبه‌های

عبدالله مهتدی و

ابراهیم علیزاده

را میخوانید

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

مصاحبه با رفیق عبدالله مهتدی

کمونیست: در پلنوم بیستم اعضای دفتر سیاسی (منصور حکمت، ایرج آذرین، کورش مدرس، رضا مقدم) اعلام کردند که در آینده نزدیک با هدف ایجاد یک حزب جدید، از حزب کمونیست ایران کناره گیری می کنند. شما اظهار کردید که در حزب کمونیست می مانید و مسئولیت هدایت و پیشبرد امور حزب را بر عهده می گیرید. پیش از آنکه به تصمیم شما و برنامه آتی تان بپردازیم، مفید است اگر ارزیابی تان را از تحولات اخیر در حزب کمونیست و کمیته مرکزی و از نتایج سیاسی و عملی آن برای خوانندگان کمونیست تشریح کنید.

عبدالله مهتدی: اجازه بدهید قبل از هر چیز در باره مساله "تصمیم به ماندن" خودم در حزب کمونیست و در کمیته مرکزی این را بگویم که من حقیقتاً نه سوال در این مورد را دارای موضوعیت می دانم و نه توضیح خاصی را لازم می بینم. کسی که از حزب کمونیست می رود باید کار خود را توضیح دهد و توجیه کند و نه کسی که می ماند و به سیاستهای رسمی آن اعلام تعهد می کند.

نکته دیگر اینکه آنچه ما با آن روبرو شدیم یک استعفا دسته جمعی اکثریت بزرگ اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست بود و نه فقط رفتن دو سه نفر. ببینید، اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب بطور همزمان در یک نشست رسمی آن تصمیم به استعفا می گیرند. طبیعی است که این رفقا باید توضیح بدهند که به چه علت این

تصمیم را گرفته اند. اگر استعفا هر کدام از آنها دارای دلایل فردی خاصی باشد، در اینصورت این همزمانی شگفت را چطور باید توضیح داد. و اگر دلایل و یا ادعاهای همگی کمابیش مشابه است و اینست که حزب کمونیست و منجمله و بویژه مرکزیت آن را مانعی در راه شکل گرفتن یک حزب کمونیستی واقعا کارگری می دانند، در اینصورت که دوباره تقریباً همان اشخاص دور هم جمع شده اند و قرار است حزب جدید را بسازند. در رده های دیگر و در بدنه حزب هم که تلاشهای چشمگیری در جریان است برای اینکه تعداد هرچه بیشتری از کادرها و اعضای حزب کمونیست بطرف استعفا و کناره گیری و احتمالاً پیوستن به حزب جدید تشویق شوند. سیاستها و جهت گیری های رسمی حزب کمونیست هم که علی القاعده مورد قبول است و همیشه گفته شده که اشکالی در مورد آنها وجود ندارد. در اینصورت این رفقا از چه کسانی جدا شده اند و خود را از دست چه مانعی خلاص کرده اند؟

گرچه فکر نمی کنم که خود رفقای کناره گیری کننده کمیته مرکزی هم ما چند نفر اعضای باقی مانده ک.م. را از لحاظ سیاسی بعنوان کسانی که مانع پیشبرد سیاستهای مورد نظر یا مورد ادعای آنها قلمداد کنند، ولی بفرس اینکه اینطور هم باشد، آنها اکثریت قاطع و بی چون و چرای مرکزیت حزب کمونیست را داشتند و می توانستند هر سیاستی را در این جهت، بفرس اینکه ما هم با آن مخالف می بودیم، به تصویب برسانند.

وانگهی یادآوری می کنم که همه کسانی که تصمیم به ماندن در کمیته مرکزی دارند و پای بیانیهای را در این مورد امضا کرده اند، اعضای فراکسیون بوده اند.

بهر حال توجیه این اقدام با خود این رفقا

است. نظر من در این مورد همان است که باختصار در بیانیهای که خطاب به اعضا نوشته شده، بیان شده است. من این استعفا دسته جمعی را در بهترین حالت به غیر جدی بودن و لاقیدی کامل در پیشبرد آنچه به آن اعلام تعهد شده منتسب می کنم. اکثریت کسانی که استعفا دادند حتی توضیحی را هم برای علت این استعفا لازم ندانستند! فقط کسی که خود را یک کارکن تشکیلاتی بمعنای محدود این کلمه در نظر می گیرد، کسی که دامنه تعهدات و مسئولیتش از چهارچوب اداری و مغفلی فراتر نمرود و فاقد هرگونه بعد اجتماعی - وینابراین فاقد بعد سیاسی بمعنای واقعی این کلمه است، کسی که خود را در مقابل طبقه، در مقابل نسلی از فعالین سوسیالیست، در مقابل جامعه جوابگو نمی بیند، می تواند اینطور بسادگی شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی کند و با خیال راحت به کار خود ادامه دهد.

بهر حال این عمل به تشویق هر که و تحت تاثیر هرچه و با هر نیتی صورت گرفته باشد، و یا هر توضیحی بعداً برای آن داده شود، من آن را یک پیمان شکنی سیاسی آشکار و یک تخریب عمدی حزب کمونیست ایران می دانم، آنرا خلاف منافع جریان سوسیالیستی در ایران و آب ریختن به آسیاب دشمنان کمونیسم می دانم، و بالاخره مجموع این رفقا را مسئول عواقبی می دانم که از قبل این تصمیم برای حزب کمونیست ایران پیش بیاید. و این منصفانه ترین و مشروع ترین چیزی است که در مورد این رفقا می توان گفت.

گویا رفیق (یا رفقای) از کادرهای حزبی پیشنهاد کرده است که بهتر است اعضای خواهان کناره گیری در کمیته مرکزی، تا کنگره چهارم حزب بمانند و در آنجا تلاش کنند که حزب رسماً خود را منحل کند.

نیت این رفیق یا رفقا هر چه بوده باشد، مورد بحث من نیست. فقط می خواهم بگویم که پیشنهاد این رفیق عملاً پیش برده شده است، تنها بدون اینکه همین درجه صراحت و صداقت هم در آن مراعات شده باشد. حزب کمونیست عملاً تا آستانه انحراف و گسیختگی پیش برده شده است، با این تفاوت که حتی مسئولیت رسمی آن هم بعهد گرفته نشده است. دفتر سیاسی، نه فقط با استعفاى اخیر بلکه با سیاستها و عملکردهای خود در تمام دوره اخیر، عملاً در همین جهت کار کرده است، بدون اینکه حتی حاضر باشد مسئولیت آن را هم صادقانه بعهد بگیرد، و بدون اینکه از بابت این مسئولیت سنگین سیاسی علی الظاهر لکه‌ای هم به دامن فعالیت سیاسی آینده‌اش نشسته باشد.

حزب کمونیست در این یکی دو سال اخیر شاهد بروز و رشد پدیده‌ها، روشها و سیاستهای منفی فراوانی بوده است. انحراف در فعالیت سیاسی و رو به بیرون، تخریب اعتماد به حزب و به رهبری، نگاه داشتن همه چیز و همه کس در حالت تعلیق و عدم اطمینان و بی آینده‌ای، مشغول کردن همه به مسائل و محاسبات تشکیلاتی، دادن وعده‌های بسیار و عمل نکردن به هیچیک از تعهدات، بر عکس انداختن سیستماتیک اشتباهات و کمبودها به گردن دیگران، رها کردن تشکیلات موجود برای اینکه در معرض "تخمیر درونی" قرار داشته باشد و بر اثر این تخمیر بند بند آن گسسته شود، میدان دادن و حتی فراهم آوردن فضایی که در آن خشمهای سازمان و انتظام حزب یکی یکی شل شوند، گسترش فضای بی اعتمادی و حتی کینه توزی متقابل، تحریک و میدان دادن به اغراض غیرسیاسی و غیر اصولی به صرف اینکه "متحد" کنونی در برابر "جبهه مقابل" بحساب می آید، میدان دادن به اینکه بحث های سیاسی تا حد مالیخولیا کش داده شوند و به عنوان ابزار تصفیه حسابهای تشکیلاتی نازل مورد بهره برداری قرار گیرند، کاهش احساس امنیت تشکیلاتی برای اعضا در قبال اظهار نظر و انتقاد از رهبری، افزایش بی تفاوتی سیاسی و کاهش علاقه به فعالیت ... اینها فقط بخشی از لیستی هستند که تحت عنوان عواقب سیاستها و روشهای دفتر سیاسی می توان ذکر کرد.

در مقابل می توان پرسید آیا میزان نفوذ و یا سازماندهی ما در میان فعالین کارگری واقعا طی این یکسال یا یکسال و نیم بهبودی پیدا کرده است؟ یا در بهترین حالت درجا زده است؟ آیا وضعیت سیاسی ما در کردستان، چه از لحاظ عمومی و چه در قیاس با جریانات بورژوا - ملی بهبود پیدا کرده و یا اینکه حتی به زبان ما تغییر پیدا کرده است؟ همینطور سایر عرصه های فعالیت. من انتظار هیچ رشد معجزه‌آسایی را، آنطور که در ابتدای کار ادعا می شد، ندارم. اینها فعالیتهایی است که علاوه بر شرایط مناسب، زمان و کار شکیبایی می طلبد. اما مساله فقط این نیست که وعده ها چرا عملی نشده‌اند، اینست که چرا پس رفت داشته‌ایم. بسیار خوب، اینها را به پای چه کسی باید نوشت؟ چه کسی مسئولیت اینها را قبول می کند؟ چه کسی مسئول ضایعات و لطافات جدی است که ماطی ایندوره در کردستان متحمل شده‌ایم؟ "ما گفتیم و نشد" تنها بهانه‌ای را که برای گریز از این مسئولیت عنوان شده معرفی می کند و نه هیچ چیز دیگر.

نمی توان از یکطرف تمام اختیارات را بطور انحصاری در حزب داشت ولی پای تقسیم مسئولیت که می رسد هیچکدام از مسئولیتها را بگردن نگرفت. نمیتوان در یک حزب معیار دوگانه بکار گرفت: وقتی حدود دو سال قبل اعضای از کمیته مرکزی حزب و سازمان کردستان آن استعفا دادند، رسماً تحت این عنوان این کار را کردند که در دوره رهبری آنها و در محدوده مورد رهبری آنها پدیده‌هایی منفی و اشتباه آمیز روی داده بود که آنها اظهار داشتند خودشان هم به آن انتقاد دارند و مورد تاییدشان نیست، لذا مسئولیت اشتباهات را می پذیرند. حال چطور است که همین معیار در مورد دفتر سیاسی صدق نمی کند؟ دفتر سیاسی کنونی تمام اختیارات حزب را رسماً یا عملاً بعهد داشته است، اما پای تقسیم اجرا نشدن ها، نقض تعهدات و سایر پدیده‌های منفی حزب در این دوره که می شود نه فقط یکدانه‌اش را هم بعهد نمی گیرند، بلکه خود این پدیده‌ها را توجیه رفتن کنونیان از حزب قرار می دهند. جالب است بدانید که حتی در همین پلنوم اخیر با پیشنهادهاى کاملا مشروع و منطقی رفیق ابراهیم علیرزاده

و من برای شرکت در دفتر سیاسی، که خود را کاندید دفتر سیاسی برای همین دوره انتقالی دو سه ماهه کرده بودیم، نیز مخالفت می شود.

می برسم با چه معیاری و در کجا قابل قبول است که کس یا کسانی اختیارات را تماما و بطور انحصاری، آنهم نه برای یکی دو ماه، بعهد داشته باشند، ولی مسئولیت دوره‌ای را که صاحب اختیار بوده‌اند اصلاً بر عهده نگیرند که هیچ، بلکه وضع همین دوره را برای خود به پیشینه مثبت، نشانه خردمندی و به سرمایه‌ای برای اقدام سیاسی بعدی خود تبدیل کنند؟ نمی شود اول حزب را با دست خود تخریب کرد و بعد همین وضعیت را دلیل اقدام بعدی در جهت تخریب هرچه بیشتر قرار داد که "بهمان ثابت شد که این حزب درست بشو نیست."

بدون اینکه بخواهم وارد جزئیات شوم می گویم من دفتر سیاسی، و اساساً شخص رفیق منصور حکمت، را مسئول عمده وضعی می دانم که در دوره اخیر برای حزب پیش آمده است که فقط آخرین آن استعفاى دسته جمعی اعضای ک.م. می باشد، مسئولیتی که فکر نمی کنم هیچگاه بتوانند گریبان خود را از آن خلاص کنند و یا آن را از پرونده سیاسی خود بزدایند.

کنگره حزب، کمیته مرکزی را برای این انتخاب نکرده که وسط راه بار حزب را بر زمین بیندازد و برود. رفقای استعفا دهنده کمیته مرکزی حتی اینقدر احساس مسئولیت و پرنسیپ سیاسی از خود نشان ندادند که افلا کنگره بتاخیر افتاده حزب را فراخوان بدهند، کاری که حداکثر چند ماه طول می کشید، و در این کنگره که قاعدتاً محل بررسی مسائل اساسی مربوط به حزب است مسائل خود را مطرح کنند. و این چیزی است که نه فقط جزو وظایف کمیته مرکزی است، بلکه در دوره اخیر بارها از طرف دفتر سیاسی حزب، چه بعنوان رهبری حزب و چه بعنوان فراکسیون، بارها قول آن بهم داده شده بود. باین ترتیب حزب از طریق کنگره خود نه فقط مجال می یافت که در مورد مسائل مربوط به سرنوشت و آینده خود بحث کند و تصمیم بگیرد، بلکه قادر می بود جای

رفقای کناره گیری کننده را با کسان دیگری در کمیته مرکزی پر کند. اما این رفقا حزب و کنکره آن را از این امکانات محروم کردند و صرفاً وسط راه رهاش کردند و باین ترتیب متأسفانه سطح بسیار نازلی از احساس مسئولیت و وظیفه شناسی رهبری را که تا این هنگام برای حزب کمونیست بکلی بیسابقه است از خود نشان دادند. کنکره درعین حال طبعاً مجال می یافت کارنامه فعالیت کمیته مرکزی و بویژه دفتر سیاسی را نیز مورد بررسی قرار دهد. اما همین چشم اسفندیار دفتر سیاسی بود و لذا "کناره گیری" از حزب را بر در پیش گرفتن راه سیاسی اصولی ترجیح داد.

این استعفا بیش از هر چیز شکست و بن بست سیاستهایی را برملا می کند که طی یکی دو ساله اخیر از طرف دفتر سیاسی حزب در پیش گرفته شده است. این بن بست مارکسیسم نیست، بن بست سوسیالیسم نیست، بن بست کمونیسم کارگری نیست، بن بست سیاستها و روشهایی است که طی دوره اخیر از طرف دفتر سیاسی پیش برده می شد، اما بجای اینکه مورد بررسی انتقادی قرار گیرد و اصلاحی جدی را موجب شود، طبق معمول با انداختن تقصیر به گردن دیگران و با تبدیل این ناکامی به یک حماسه جدید و به نقطه قوتی در چشم طرفداران، به آن برخورد می شود.

اما در باره اینکه این استعفا دسته جمعی در چه جهتی تاثیر می گذارد، بنظر من می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دامن زدن به نومیدی و سرخوردگی از سوسیالیسم و کمونیسم. بهانه و مستمسک دادن به بورژوازی ایران برای حملات تبلیغاتی هرچه بیشتر به مارکسیسم و کمونیسم. ببینید، شما هر اسمی می خواهید روی آن بگذارید و هر طور مایلید آنرا نزد دوستان و طرفداران خود توجیه کنید، ولی در شرایطی که احزاب بورژوا رفرمیست و بوروکرات که تا بحال بنام کمونیسم عمل کرده اند، در مقابل فشار روندهای اقتصادی، تولیدی، سیاسی و تبلیغاتی بازار آزاد و بورژوازی خصوصی دارند خود را منحل می کنند، این اقدام

جز اینکه خوراک تبلیغاتی برای بورژوازی فراهم کند، زبان روشنفکران گریخته از مارکسیسم را دراز کند، در میان کارگران سردرگمی بوجود بیاورد و در مجموع شرایط نامساعدتری برای فعالیت کمونیستی در جامعه خلق نماید چه کار دیگری می کند؟ شما هر قدر آنرا بعنوان پیشرفت دیگری عنوان کنید، و حتی صرفنظر از نیت این و آن، کارتان بطور عینی چه فرقی با این موج انحلال گرایی و گریز از مارکسیسم دارد؟

- دامن زدن به ضدیت با و گریز از تحزب انقلابی و یا دقیقتر بگویم تحزب کمونیستی، چیزی که نه فقط دیگر سالهاست در محیط روشنفکران رواج دارد، بلکه گرایشهای خاصی سعی می کنند آنرا در میان کارگران نیز اشاعه دهند.

- در سطح خود حزب کمونیست نیز از آنجا که این اقدام به کمیته مرکزی محدود نمانده و تلاش می شود تا اعضای هرچه بیشتری را نیز در بر بگیرد، لذا دامن زدن به گسیختگی تشکیلاتی، ائتلاف انرژی و کاهش توان حزب.

شکی نیست که این اوضاع کار ما کسانی را که در حزب کمونیست می مانیم و به تلاش در راه پیشبرد وظایف آن دست می زنیم، بسیار دشوارتر می کند. اما مبارزه کمونیستی در دوره کنونی بهر حال کار چندان ساده و بی دردسری نیست. تلاش مصممانه، جدی و هماهنگ کادرها و اعضای حزب کمونیست قطعاً می تواند بر این موانع غلبه کند.

کمونیست: خروج این رفقا چه تاثیراتی بر خط مشی و جهت گیریهای حزب کمونیست در آینده می گذارد و چه تغییراتی را باعث می شود؟

عبدالله مهتدی: همانطور که در بیانیه ما آمده، از نظر ما امضاکندگان آن که در موقعیت کمیته مرکزی خواهیم ماند، حزب کمونیست خط مشی ها و جهت گیری های اساسی خود را باید حفظ کند و بر مبنای همه مصوبات و قطعنامه های رسمی کنکره ها و پلنوم های خود فعالیت نماید. طبعاً کسی نمی تواند آینده را تضمین کند، اما

این چیزی است که ما فکر می کنیم و برایش تلاش می کنیم.

در سطح کلی تر و در دراز مدت فکر می کنم که آینده حزب کمونیست، و یا هر حزب کمونیستی در دنیای امروز، با فعالیت در عرصه های زیر رقم می خورد و موفقیت آن را با پیشرفت در این عرصه ها می توان سنجید:

- ادای سهم در ایجاد جریان کمونیستی کارگری. حزب کمونیست ایران، همانطور که در بیانیه ما هم آمده، باید در جهت شکل دادن به یک جریان نیرومند کمونیستی کارگری، یعنی جریانی تلاش کند که از لحاظ اجتماعی اعتراض روشنفکران، هر قدر هم رادیکال و سوسیالیست، نبوده بلکه بیان اعتراض واقعی خود کارگر و جنبش کارگری به وضع موجود باشد. کمونیسم یک جریان فکری صرف نیست، بلکه اساساً و مقدم بر آن یک جنبش و حرکت اجتماعی است. کمونیسم جنبش اجتماعی بخش پیشرو و خودآگاه طبقه کارگر و حرکت اعتراضی کارگری است. شکافی که سالهاست سرنوشت کمونیسم را به منافع و حرکات طبقات و افشار دیگر گره زده است، باید از میان برداشته شود. واضح است که تحقق این تحول، گرچه به وقوف و خودآگاهی فعالین آن نیاز دارد، اما یک تحول عقیدتی نیست، یک تغییر اجتماعی است که به کار گرفتن روشها و الگوهای متفاوت کار و بهر حال کار عملی کم و بیش طولانی می برد.

- دفاع از مارکسیسم. دفاع از حقانیت مارکسیسم در عرصه های گوناگون و بدست گرفتن آن در نقد جامعه و تفکر بورژوازی در این دوره از اهمیت خاصی برخوردار است. علیرغم اینکه بورژوازی و خدمتگزاران فکریش در همه جا تلاش می کنند سقوط اردوگاه شوروی را با بی اعتباری مارکسیسم یکی بگیرند و این را برای همه به یک حقیقت بی چون و چرا تبدیل کنند، اما واقعیت اینست که این پدیده، چنانچه تبلیغات عظیمی را که حول آن در جریان است کنار بزنیم، فقط می تواند اثبات تئوری مارکسیسم را نتیجه دهد. از لحاظ نظری نیز ما حتی با یک نقد جدی از طرف روشنفکران و تئوریسین های بورژوا علیه مارکسیسم روبرو نیستیم.

وظیفه حزب کمونیست و هر جریان کمونیستی اینست که از طریق نقد مارکسیستی مبانی مادی و فکری جامعه سرمایه داری، نقد عمیق مالکیت خصوصی، دولت، دموکراسی، ملیت، لیبرالیسم، مذهب و غیره از زاویه سوسیالیسم کارگری نشان دهد که مارکسیسم بیش از هر زمان قادر به توضیح تناقضات جامعه معاصر بشری، و مهمتر از آن نقد این جامعه و راه گشایی برای آینده انسان است. و این در حالی است که ایدئولوژی و تفکر بورژوازی امروزه بیش از هر زمان دیگر اصولاً پرداختن به مسائل اساسی جامعه بشری و آینده انسان را از دستور خارج کرده و افلاس معنوی و فکری خود را بروز داده است.

– عرصه انترناسیونالیستی. کمونیسم در ذات خود و بنا به تعریف یک جنبش انترناسیونالیستی است. این همیشه درست بوده است، اما در دوران ما که حتی بلوکهای پیشین درون سرمایه داری، سرمایه داری دولتی و خصوصی، اروپای شرقی و غربی، دیگر بفتح گرایش به ادغام هر چه بیشتر سرمایه در مقیاس جهانی فروپاشیده است، در دنیایی که پیشرفتهای تکنولوژی، تولید را بمعنای واقعی آن بطور فشردهای جهانی – اجتماعی کرده است، در دنیایی که سرنوشت طبقه کارگر و افت و خیز آن در هر کشور مستقیماً و با حساسیت زیاد در کشورها و نقاط دیگر تاثیر فوری و جدی می گذارد، در حالیکه خود بخشهای مختلف بورژوازی در اروپا دارند اتحاد سیاسی را در دستور کارشان می گذارند، در این شرایط دیگر انترناسیونالیسم کارگری بیش از هر زمان دیگر به یک امر عملی و سرنوشت ساز تبدیل شده است. هر حزب کمونیستی باید سعی کند با حرکت اعتراض کارگری به سرمایه داری، که بهرحال بالا خواهد گرفت، و بویژه با بخش رادیکال و سوسیالیستی آن، در پیوند قرار گیرد و هر چه بیشتر به طرف تبدیل شدن واقعی – عملی به بخشی

از حرکت جهانی سوسیالیستی کارگری حرکت کند.

– دخالتگری انقلابی و تداعی شدن با مطالبات و جنبش های حق طلبانه توده های تحت ستم. حزب کمونیست باید یک حزب موثر در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه خود باشد و با خواستها و جنبشهای حق طلبانه تداعی شود و در این جنبشها نیز از منافع کارگری دفاع نماید. جنبش خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت یکی از اینهاست و گرچه در این یکی دو سال در این عرصه دچار پس روی ها و لطماتی شده ایم، معذراً سابقه درخشان فعالیت تاکتونی و پیوندی که تا هم اکنون وجود دارد باضافه خط مشی و جهت گیریهای اساسی حزب در این رابطه، پایه فعالیت بعدی را تشکیل میدهد.

در رابطه با موارد فوق مایلیم اضافه کنیم که چنانچه حزب یا جریان سیاسی جدیدی توسط رفقای که کناره گیری کرده اند شکل بگیرد، در اینصورت با وجود همه مسئولیت سنگینی که اعضای کمیته مرکزی در قبال دوره اخیر فعالیت حزب و وضعیت کنونی آن دارند، مسئولیتی که بهر حال همیشه در تاریخچه فعالیت سیاسی آنها خواهد ماند، معذراً چنانچه این جریان جدید به آنچه قبلاً گفته و نوشته وفادار بماند و واقعا به شکلی جدی به فعالیت کمونیستی در این راستا در میان کارگران بپردازد، و نیز چنانچه حزب کمونیست نیز در راستای جهت گیریهای اعلام شده خود حرکت نماید، دلیلی ندارد که این جریانها در آینده همدیگر را باز نیابند و به همکاری با یکدیگر نپردازند.

کمونیست: فوری ترین وظایفی که در دستور کار شما قرار خواهند گرفت کدامند؟

عبدالله مهتدی: چه در بیانیه ما و چه در مصاحبه رفیق ابراهیم علیزاده که در همین شماره کمونیست آمده است، به این وظایف فوری اشاره شده است. من فقط مایلم بعنوان خط مشی ما امضاکنندگان بیانیه این را تاکید کنم که ما نهایت تلاشمان را می کنیم تا وضعیتی که برای حزب پیش آمده و جدایی ها و اختلاف نظرها موجبی برای بهره برداری جزیانات بورژوا نشود، گرایشهای عقب مانده و ضد کمونیستی را تقویت نکنند و حرمت و حیثیت کمونیستها را لکه دار ننمایند.

با خود جریان جدیدی هم که بخواهد تشکیل شود ما خواهان هیچگونه دشمنی و بزرگ کردن خرده اختلافهای بی اهمیت و اصطکاکهای غیر لازم و کشمکشهایی که چه بسا پس از جدایی ها صورت می گیرد نیستیم. حزب کمونیست در این حالت نیز باید سطح کاملاً متفاوتی از فرهنگ سیاسی با چپ سنتی ایران را نشان دهد. □



کمونیست
 رکن مرکزی حزب کمونیست ایران
 ماهانه منتشر می شود آدرس
 سردبیر منصور حکمت
 P. M. Box 655
 London WC1N 3XX
 England

ارتباط تلفنی
 از طریق تلفن میتوان با کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران تماس بگیرد
 سوئد ۰۱۰-۱۲۳۹۸۸
 همه روزهای هفته ساعت ۱۲-۲۱

از طریق آدرس زیر
 نشریات حزب کمونیست
 ایران را مشترک شوید
 I. S. F
 Box 3023
 143 03 Vårby
 SWEDEN

O. I. S
 Box 50040
 10405 Stockholm
 SWEDEN

از طریق آدرسهای زیر با کمیته خارج کشور
 حزب کمونیست ایران تماس بگیرید
 BH
 Box 3004
 London WC1N 3XX
 ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!